

## خطاهای شناختی در دیوان خاقانی براساس نظریه آرون تی‌بک و تطبیق آن با تخیل در نگارگری دوره مغول

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین خطاهای شناختی براساس نظریه آرون تی‌بک در دیوان خاقانی و تشخیص پربسامدترین خطاها و تحریفات شناختی در دیوان این شاعر است. تطبیق این ویژگی با عنصر تخیل در نگاره‌های دوره مغول نیز از دیگر مسائل این پژوهش است. براساس این پژوهش، جامعه آماری و قلمرو تحقیق دیوان شعر شاعر مذکور بوده و روش کار تحلیلی- توصیفی از نوع تحلیل محتوا و به‌صورت اسنادی- کتابخانه‌ای انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات منابع و مآخذ کتابخانه‌ای و فیش‌برداری بوده و تجزیه و تحلیل مطالب به‌صورت تحلیل کیفی صورت گرفته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان داد که انواع خطاهای شناختی در دیوان شاعر دیده شده، البته خطای شناختی فاجعه‌سازی در آن بیشتر بوده است. خطای تعمیم افراطی، فیلتر منفی و برجسب‌زدن نسبتاً زیاد مشاهده شده البته خطاهای پیشگویی، شخصی‌سازی، سرزنش‌گری و تفکر دوقطبی هم در اشعار شاعر قابل ملاحظه دیده شده است. خطای ذهن‌خوانی و قضاوت‌گرایی بسیار کم و خطای بیداندیشی تقریباً وجود نداشته و این مسئله شاید به تفکر احساسی شاعر ارتباط داشته باشد و اینکه احساس می‌کند مسائل را باید آن‌گونه که هست پذیرفت. در نگاره‌های دوره مغول نیز عنصر خیال به‌نوعی خروج از مسیر واقع‌گرایی است و ارتباط مستقیمی با احساسات نگارگر دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. تعیین خطاهای شناختی براساس نظریه آرون تی‌بک در دیوان خاقانی.
۲. بررسی انواع خطاهای شناختی در دیوان خاقانی و تطبیق آن با تخیل در نگارگری مغول.

### سؤالات پژوهش:

۱. تعیین خطاهای شناختی براساس نظریه آرون تی‌بک در دیوان خاقانی چگونه می‌باشد؟
۲. خطاهای شناختی در دیوان خاقانی و عنصر تخیل در نگارگری دوره مغول چگونه می‌باشد؟

**کلیدواژه‌ها:** دیوان خاقانی، خطاهای شناختی، نگارگری مغول، آرون تی‌بک.

## مقدمه

پیوند بین روان‌شناسی و ادبیات از دیرباز وجود داشته و این تعامل امروزه بیشتر هم شده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حیطه ادبیات باید مورد توجه قرار گیرد اختصاص دادن جایگاه ویژه به مطالعات میان‌رشته‌ای از جمله روان‌شناسی- ادبیات است. در روان‌شناسی ادبیات<sup>۱</sup>، نظریه‌های روان‌شناسی در آثار ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع شناخت و خطاهای شناختی یکی از مهم‌ترین بحث‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی است. خطاهای شناختی موجود در آثار بعضی بزرگان ادب فارسی یکی از مقولات بحث‌انگیز است که نیاز به توجه و تحقیق ویژه‌ای دارد. شناخت و نگرش، افکار و جهان‌بینی یک نویسنده، عنصر بسیار مهمی است که محتوای یک اثر ادبی را شکل می‌دهد. تفاوت برداشت از یک موقعیت و تجربه یکسان در آثار نویسندگان مختلف حاصل این تفاوت در نگرش است؛ بدین ترتیب که هر نویسنده آنچه را که از محیط پیرامون خود دریافت می‌کند را با نگرش خود می‌آمیزد و آن را در قالب یک سروده و متن ادبی بیان می‌کند. به‌عنوان مثال، پدیده‌هایی همچون بهار و خزان، مرگ و زندگی، عشق و نفرت و... در آثار نویسندگان مختلف با ویژگی‌های متفاوتی وصف می‌شوند.

خطاها و تحریفات شناختی در اشعار خاقانی با توجه به جهان‌بینی و نگرش این شاعر تا حدودی زیاد مشاهده گردیده است. احساسی برخورد کردن خاقانی با مسائل پیرامونش باعث دیده شدن خطاهای شناختی بیشتر در اشعار وی شده است. با توجه به این مقدمه سعی نگارنده بر این است که مصادیق خطاهای شناختی در دیوان شعر این شاعر تعیین، بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد. با مطالعه اشعار خاقانی- که موضوع مورد پژوهش حاضر است- شواهد بسیاری یافت می‌شود که نشان از نوعی بدبینی، ناخوشنودی، سرخوردگی، شکوه از روزگار و اهل آن و دیگر موضوعات غم‌انگیز دارد. این که علت چنین فضای حزن‌آلودی که بر اشعار شاعر سایه افکنده چیست، موضوعی درخور توجه پژوهش است که نگارنده را بر آن داشت تا با تکیه بر نظریه‌ی «خطاهای شناختی آرون تی‌بک»- که مبتنی بر رابطه میان افسردگی و خطاهای شناختی است- در این باره به جست‌وجو در دیوان اشعار شاعر مذکور بپردازد. آرون تی‌بک، روان‌شناس و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی معتقد است افکار و نگرش‌های منفی و بدبینانه افراد در ارتباط با خود، دیگران و جهان هستی و آینده، زمینه‌ساز بسیاری از گفتارها و رفتارهای ناسازگارانه است که منجر به روان‌رنجوری و افسردگی می‌شود. از سوی دیگر، افرادی که بنابر دلایلی از جمله: رویدادهای تلخ زندگی، عوامل ارثی و... از بیماری و افسردگی رنج می‌برند خواه ناخواه نگرش منفی و بدبینانه نسبت به خود، عملکرد خود، دیگران، محیط پیرامون و آینده و در نهایت جهان هستی دارند. خطاها و تحریفات شناختی که از مهم‌ترین بحث‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی است به تفکرات و پیش‌زمینه‌های فکری گفته می‌شود که باعث می‌گردد یک فرد واقعیات را به صورت غیرصریح و تحریف نشده دریافت نماید.

این خطاها اگرچه بسیارند بر طبق نظریه آرون تی‌بک به ۱۷ نوع و در بعضی کتب به ۱۰ نوع خطا تقسیم شده‌اند و این به دلیل ادغام بعضی از این خطاها و قرار گرفتن آن‌ها در زیر یک مجموعه می‌باشد (برنز، ۱۳۹۸ : ۱۹-۲۲). این خطاها عبارت‌اند از: نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده که شامل ذهن‌خوانی و پیشگویی است، درشت‌نمایی که شامل فاجعه‌سازی، تعمیم افراطی و مبالغه‌آمیز می‌باشد، شخصی‌سازی که نقطه مقابل آن سرزنش‌گری است، بایداندیشی که به‌نوعی در تقابل با تأسف‌گرایی قرار دارد، فیلتر ذهنی (منفی) که خودبخود با بی‌توجهی به جنبه‌های مثبت همراه

<sup>۱</sup> Psychology Literature

است و استدلال‌های هیجانی و احساسی را نتیجه می‌دهد، تفکر دوقطبی یا تفکر همه یا هیچ که شکل حاد آن برچسب زدن می‌باشد، قضاوت‌گرایی که با مقایسه‌های ناعادلانه و نادیده‌گیری شواهد متناقض با تفکر همراه است، و خطای چه می‌شد اگر. با توجه به مطالب فوق نگارنده سعی دارد ضمن بررسی و تطبیق اشعار خاقانی با نظریه خطاهای شناختی بک، به این مسئله بپردازد که کدام یک از تحریفات شناختی در اشعار وی وجود دارد و البته پربسامدترین این خطاها کدام است.

از جمله مقالات و پژوهش‌هایی که در مورد اشعار خاقانی صورت گرفته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: باباصفری و همکاران (۱۳۸۹) مقاله‌ای تحت عنوان «شکوائیه در شعر خاقانی» دارند که نتایج آن نشان داده است که شکوائیه عرفانی در اشعار خاقانی وجود ندارد و شکوائیه‌های سیاسی کم‌ترین بسامد را دارا است. واحد و نوری باهری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تحلیلی مبانی فکری سبک شکوائیه‌های خاقانی و انوری» به نوعی به شکوه‌ها و ناله‌های هر دو شاعر می‌پردازد که البته مقوله‌های شکوه‌ها در مقالات دیگر نیز ذکر شده است. شاید اندک تفاوت‌ها در نوع شکوه‌های شعرا به خاطر روحیات خاص آن‌ها یا ناشی از حوادث متفاوتی باشد که برای هر کدام پیش آمده است. علی آذرگون (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی برخی عناصر مشترک حبسیه در شعر مسعود سعد سلمان و خاقانی» اشاره دارد به اینکه: حس بدبینی و تمایل شاعر به کناره‌گیری و شاید مناعت طبع و استعداد ذاتی شاعر باعث حبس و زندانی شدن شاعر و در نهایت شکوائیه‌های وی از اطرافیان‌ش باشد. طلایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل روان‌شناختی خودستایی خاقانی بر مبنای دیدگاه کارن هورنای» اشاره دارد به اینکه: عقده‌های حقارت، خودشیفتگی و خودستایی‌های شاعر به‌گونه‌ای است که بعضاً او را از شخصیت واقعی خود نیز دور می‌گرداند و در همان دنیای ساختگی، خود را همچنان برتر از همه می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

در بررسی‌های انجام شده در دیوان خاقانی در مورد خطاهای شناختی این نتایج حاصل گردید: خطای «تعمیم افراطی» و «فاجعه‌سازی»، «فیلتر منفی» و «برچسب‌زدن» زیاد، «سرزنش‌گری» و «شخصی‌سازی» و البته «پیشگویی» به نسبت قابل ملاحظه دیده شده است. «تفکر دوقطبی» نیز در دیوان خاقانی مشهود بوده، خطای «قضاوت‌گرایی» بسیار کم مشاهده گردیده است. خطای «بایداندیشی» در اشعار خاقانی تقریباً وجود نداشته و این مسئله شاید به تفکر احساسی شاعر مربوط باشد و اینکه احساس می‌کند مسائل را باید آن‌گونه که هست پذیرفت. خطای «تأسف‌گرایی» به‌عنوان یک تفکر واقع‌بینانه در دیوان شاعر مدنظر بوده و این به‌دلیل مشکلاتی که در طول زندگی برایش ایجاد شده و همچنین نوع جهان‌بینی و دیدگاه وی بوده که همواره تأسف بر گذشته داشته است. در واقع به جز خطاهای شناختی، شاعر اشعار «واقع‌گرایانه» نیز دارد که در رویارویی با مشکلات و مصائب چون مرگ، زندان و... «واکنش‌های هیجانی» حاصل از «التهابات درونی» نیز ملاحظه می‌شود که به‌طور قطع یک خصوصیت همگانی است و شاعری چون خاقانی نیز از آن مستثنا نیست. در نگارگری دوره مغول نیز می‌توان توجه جدی به عنصر تخیل را به‌نوعی بازتابی از تحولات روحی نگارگر دانست.

### منابع و مأخذ:

باباصفری، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). بر بلندای سخن. اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

باباصفیری، علی‌اصغر؛ فراحی قصر ابونصر، مرضیه. (۱۳۸۹). «شکوائیه در شعر فارسی». فصلنامه پژوهشی تحقیقات زبان و ادب فارسی، شماره ۴، ۳۳.

برنز، دیوید. (۱۳۹۸). از حال بد به حال خوب. ترجمه: مهدی غراچه داغی، تهران: نشر آسیم.

بک، جودیت اس. (۱۳۹۶). شناخت درمانی. ترجمه: امیرعباس کشاورز و مهسا گیلانی‌پور، ویراستار لادن فتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانژه.

بک، آرون، تی. (۱۳۲۹). شناخت درمانی و مشکلات روانی. ترجمه: مهدی غراچه داغی، تهران: شرکت نشر و پخش دیس.

بویل، جی. ا. (۱۳۶۶). تاریخ کمبریج. ترجمه: حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.

بیگدلی، لطفعلی آفاخان (آذر). (۱۳۷۸). آتشکده. تهران: انتشارات روزانه.

بیگدلی، لطفعلی آفاخان (آذر). (۱۳۳۷). آتشکده. تهران: چاپ جعفر شهیدی، افسر.

چراغچی‌باشی آستانه، حوریه. (۱۳۹۲). بررسی تحریف‌های شناختی و باورهای غیرمنطقی در حوزه روان‌شناسی از منظر قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

حاکمی، اسماعیل. (۱۳۸۶). تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خاقانی، بدیل‌بن‌علی. (۱۳۶۸). دیوان. تهران: چاپ ضیاءالدین سجادی.

----- (۱۳۳۳). مثنوی تحفه‌العراقین. تهران: چاپ یحیی قریب.

----- (۱۳۹۰). دیوان، علیرضا برزگر خالقی. تهران: زوآر.

رزمجو، حسین. (۱۳۸۲). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۶۳). مشاهیر جهان. تهران: نشر علم و زندگی.

طباطبایی‌نسب، سیدمحمد؛ آیکاری، معصومه. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر خطاهای شناختی بر احساسات منفی مصرف‌کنندگان منتسب به برند و رویکردهای رفتاری آن‌ها». راهبرهای بازرگانی، دانشور رفتار سابق، دوره ۲، شماره ۴، ۱۲.

عوفی، محمد. (۱۳۶۱). لب‌الالباب، از روی چاپ پروفیسور براون با مقدمه و تعلیقات علامه محمد قزوینی و تحقیقات استاد سعید نفیسی و ترجمه: دیباچه انگلیسی به فارسی به قلم محمد عباسی، تهران: فخر رازی.

فروزان‌فر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۸). سخن و سخن‌وران. تهران: نی.

کرباسی، رضوانه. (۱۳۹۴). «تأثیر مکتب تبریز اول بر مکاتب نگارگری جلایریان و هرات». نشریه پژوهش هنر، شماره ۷، ۱-۱۲.

مجیدیان، اعظم. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی شکوائیه در اشعار ناصرخسرو خاقانی». پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۲، ۲۸۸-۲۷۸.